

## سیری در آیات جهاد و دفاع (۲)



علی تقی‌زاده اکبری<sup>۱</sup>

اشاره:

در این شماره نکته‌ها و پیامهای آیات ۲۴۸ تا ۲۵۱ سوره مبارکه بقره را بیان خواهیم کرد که در ادامه آیات مطرح شده در شماره گذشته ماجرای انتخاب طالوت به فرماندهی و نبرد او با جالوت را پی می‌گیرد.

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ  
(بقره: ۲۴۸)

و پیامبرشان بدیشان گفت: همانا، نشانه پادشاهی [و فرماندهی] او این است که آن صندوق [عهد] که در آن آرامش خاطر است از جانب پروردگارتان، و بازمانده‌ای از آنچه خاندان موسی و خاندان هارون [در آن] بر جای نهاده‌اند در



حالی که فرشتگان آن را حمل می‌کنند به سوی شما خواهد آمد. مسلماً اگر مؤمن باشید، برای شما در این [رویداد] نشانه‌ای است.

## نکته‌ها و پیامها:

۱. صندوق عهد، نشان انتخاب طالوت به فرماندهی از سوی خداوند: پس از ابلاغ فرماندهی طالوت به عنوان [فرمانده نظامی و] زمامدار به وسیله پیامبر بنی‌اسرائیل، آنان از او دلیل و نشانه خواستند. خداوند متعال به او وحی کرد که نشان انتخاب طالوت به عنوان زمامدار [و فرمانده] این است که صندوق عهد دوباره به میان آنها باز خواهد گشت. صندوق عهد، همان صندوقی است که مادر موسی علیه السلام، فرزند خود را در آن گذاشت و به دریا افکند و پس از وفات موسی، الواح، سپر و دیگر آثار نبوت او در آن نگهداری می‌شد و خداوند به دلیل عدم شایستگی بنی‌اسرائیل، آن را از آنان گرفته بود.<sup>۱</sup>

و قال لهم نبیهم إِنَّ آیةَ ملکه أن یأتیکم التابوت.

۲. صندوق عهد، وسیله‌ای برای آرامش روحی بنی‌اسرائیل در جنگ: صندوق عهد برای بنی‌اسرائیل بسیار با ارزش بود و بدان تبرک می‌جستند؛ آن را در جنگ‌ها پیشاپیش سپاهیان حرکت می‌دادند و این به آنان آرامش روحی می‌داد و از دلهره و اضطراب آنان در مصاف با دشمن می‌کاست.<sup>۲</sup>

و قال لهم نبیهم ... أن یأتیکم التابوت فیه سکینه من ربکم.

۳. اهمیت آرامش روحی در جنگ: مراد از «سکینه» در این آیه به مناسبت آیات قبل که در باره جهاد با دشمنان بود، آرامش روحی و رفع نگرانی در مقابله با متجاوزان است<sup>۳</sup> و این، نشانگر اهمیت آرامش روحی در جنگ است. فیه سکینه من ربکم.

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللّٰهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّيْ وَ مَنْ لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّيْ إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلاً مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللّٰهِ كَمِ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةً غَلَبَتْ فِيْهِ كَثِيْرَةٌ يَّادُنِ اللّٰهِ وَ اللّٰهُ مَعَ الصَّٰبِرِيْنَ (بقره: ۲۴۹)

و چون طالوت با لشکریان | خود | بیرون شد، گفت: خداوند شما را به وسیله رودی خواهد آزمود. پس هر کس از آن بنوشد از [پیروان] من نیست، و هر کس از آن نخورد، قطعاً او از [پیروان] من است، مگر کسی که با دستش کفی برگیرد. پس [همگی] جز اندکی از آنها، از آن نوشیدند. و هنگامی که [طالوت] با کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند، از آن [نهر] گذشتند، گفتند: امروز ما را یارای [مقابله با] جالوت و سپاهیانش نیست. کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند: بسا گروهی اندک که برگروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند. و خداوند با شکیبایان است.

### نکته‌ها و پیامها:

۱. آمادگی بنی اسرائیل برای نبرد پس از آمدن صندوق عهد: بنی اسرائیل پس از آمدن صندوق عهد [با همان ویژگی‌هایی که بدان‌ها وعده داده شده بود] به عنوان نشان فرماندهی طالوت، فرماندهی او را پذیرفتند و آمادگی خود را برای جنگ با دشمن اعلام کردند. هر چند در آیه بدین مطلب اشاره‌ای نشده است، اما همراهی بنی اسرائیل با طالوت برای جنگ، بر آن دلالت دارد.<sup>۴</sup>

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ.

۲. ارزیابی آمادگی رزمی نیروها پیش از نبرد: بنی اسرائیل با آنکه معجزات الهی را می‌دیدند، با پیامبران و زمامداران الهی مخالفت می‌کردند. خداوند اراده کرد که پیش از نبرد، مقاومت آنان را بیازماید و صابران و کم‌استقامتان را بازشناساند؛ زیرا تأثیر منفی بازگشتن پیش از نبرد، کمتر از عقب‌نشینی پس از برخورد با دشمن است.<sup>۵</sup>

قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ.

۳. ارزیابی اطاعت‌پذیری نیروها پیش از نبرد: در آیات سابق، تردید فرمانبری بنی اسرائیل در رویارویی با دشمن مطرح شد: [هل عسیتم ...]، بنابراین، آزمایش الهی، برای مشخص شدن فرمانبران و نیز میزان فرمانبری آنان بوده است.<sup>۶</sup>

قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ.



۴. انجام رزمایش و تمرین پیش از نبرد: خداوند متعال بنی اسرائیل را پیش از نبرد آزمود تا به صبر و مقاومت در برابر سختی‌ها عادت کنند و در نتیجه به هنگام جنگ و رویارویی با دشمن، صبور و مقاوم باشند و شکست نخورند.<sup>۷</sup>

قال إِنَّ اللَّهَ مَبْتَلِكُمْ بِنَهْرٍ.

۵. ضرورت اعتماد فرمانده به نیروهای کارآمد: طالوت به فرمان الهی بنی اسرائیل را به نوشیدن آب رودخانه آزمود و گفت کسانی که از این آزمون موفق بیرون آیند، پیرو من می‌باشند و کسانی که موفق بیرون نیابند، پیرو من نمی‌باشند.<sup>۸</sup> از آنجا که طالوت با کسانی که از آزمون سربلند بیرون آمدند به جنگ دشمن رفت، ضرورت اعتماد فرماندهان نظامی به نیروهای کارآمد و عدم اعتماد به نیروهای ناکارآمد فهمیده می‌شود.

قال إِنَّ اللَّهَ ... فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّيْ وَ مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّيْ.

۶. صلابت طالوت به رغم سرپیچی بیشتر بنی اسرائیل: اکثریت بنی اسرائیل از فرمان طالوت مبنی بر نوشیدن آب رودخانه سرپیچی کردند. با وجود این، طالوت در نبرد با دشمن تردید نکرد و به همراه نیروهای اندکش از رودخانه گذشت و رهسپار میدان جنگ شد.<sup>۹</sup> از امام باقر علیه السلام نقل شده است که تعداد یاران اندک طالوت، همان تعداد مجاهدان صدر اسلام در جنگ بدر یعنی ۳۱۳ نفر بوده است.<sup>۱۰</sup>

فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلاً مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ.

۷. یکسان نبودن ایمان و روحیه نیروهای طالوت: نیروهای اندک طالوت که همراه وی از رودخانه گذشتند، از نظر ایمان و روحیه یکسان نبودند. گروهی با دیدن نیروهای زیاد دشمن بر این باور بودند که یارای مقابله با جالوت و لشکریانش را ندارند، اما گروه دیگر معتقد بودند بسا گروه‌های اندکی که به اذن خداوند بر گروه بسیار پیروز شده‌اند.<sup>۱۱</sup> گروه نخست، همان کسانی بودند که کفی از آب نوشیده بودند و استقامت کمتری نشان داده بودند و گروه دوم، کسانی بودند که اصلاً آب نخورده بودند.<sup>۱۲</sup>

قالوا لا طاقة لنا اليوم ... قال الذين ... کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله.

۸. نقش ایمان به معاد در افزایش روحیه در جنگ: آن عده از نیروهای طالوت که به معاد و روز رستاخیز ایمان راسخ داشتند، دل‌های نگران را به پیروزی امیدوار کردند و ترس و دلهره آنان را زدودند.<sup>۱۳</sup>

قال الذين يظنون أنهم ملاقوا الله كم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله.

۹. نقش نیروهای کیفی در رزم: از آنجا که طالوت با نیروهای اندک، ولی با ایمان و توانمند، سرانجام بر جالوت و لشکریانش پیروز شدند، می‌توان به اهمیت و نقش نیروهای کیفی و کارآمد در رزم و پیروزی پی برد.<sup>۱۴</sup>

كم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله.

۱۰. پیروزی بر دشمن، منوط به اذن الهی: نیروهای اندک، تنها، با اذن و اراده الهی بر دشمنان بسیار غلبه خواهند کرد.

كم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله.

۱۱. پایداری، از عوامل پیروزی در جنگ: جمله «والله مع الصابرين» به منزله بیان شرط برای غلبه گروه اندک بر گروه بسیار است<sup>۱۵</sup>؛ یعنی غلبه گروه اندک بر گروه بسیار هنگامی میسر است که پایداری ورزند.

كم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله والله مع الصابرين و لما برزوا لجالوت و جوده قالوا ربنا افرغ علينا صبرا و تبث اقدامنا و انصرتنا على القوم الكافرين (بقره):

۱۲۵۰

و هنگامی که با جالوت و سپاهیانش روبه‌رو شدند، گفتند پروردگارا! بر [دل‌های] ما شکیبایی فرو ریز، و گام‌های ما را استوار دار و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای.

### نکته‌ها و پیامها:

۱. دعای رزمندگان مؤمن پس از برخورد با انبوه دشمن: از آنجا که [پیش از نبرد] دسته پر روحیه و قوی‌تر نیروهای طالوت برای دسته کم روحیه تمیین کردند که گروه‌های اندکی با اذن الهی بر گروه‌های بسیار پیروز شده‌اند و پیروزی بر دشمن، تنها، در پرتو امداد الهی میسر است، پس از روبه‌رو شدن با جالوت و



لشکریانش و مشاهده کمی نفرات خود و زیادی دشمن، دست به دعا و تضرع برداشتند و از خداوند متعال، صبر، ثبات قدم و پیروزی بر کافران را خواستار شدند.<sup>۱۶</sup>

و لَمَّا بَرَزُوا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.

۲. اهمیت دعا در میدان نبرد: توجه رزمندگان به خداوند متعال به وسیله دعا، در جنگ مؤثر و پیروزی آفرین است؛ چنان که آیه بعد که با «فاء» به این آیه عطف شده است: [فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ]، بر آن دلالت می‌کند.<sup>۱۷</sup> همچنین از آیه استفاده می‌شود که دعا آنگاه به اجابت می‌رسد که همراه با حرکت و مجاهدت باشد؛ چنان که نیروهای اندک طالوت چنین کردند.<sup>۱۸</sup>

و لَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا ...

۳. امید به نصرت الهی در جنگ: همچنان که نیروهای اندک طالوت با سرمایه امید به نصرت الهی به جنگ با جالوت و سپاهیان انبوهش رفتند<sup>۱۹</sup>، رزمندگان مؤمن نیز همواره باید با چنین سرمایه‌ای به جنگ دشمن بروند.

و لَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ ... وَ انصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.

۴. صبر و ثبات قدم، زمینه‌ساز پیروزی: هر یک از خواسته‌های نیروهای اندک طالوت از خداوند، زمینه‌ساز خواسته دیگر بود؛ صبر، زمینه‌ساز ثبات قدم و ثبات قدم، زمینه‌ساز فتح و پیروزی. بنابراین، درخواست پیروزی نیروهای طالوت از خداوند بدین معناست که خداوند ما را در پرتو استقامت و ثبات قدم، بر کافران پیروز گردان!<sup>۲۰</sup>

قَالُوا رَبَّنَا افْرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا ... وَ انصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.

۵. ملاک ارزش پیروزی در جنگ: پیروزی در جنگ، آنگاه با ارزش است که هدف رزمندگان برتری حق بر باطل باشد، نه برتری یکی بر دیگری. از این رو، نیروهای طالوت خواستار پیروزی بر کافران شدند، نه بر سپاه جالوت.<sup>۲۱</sup>

قَالُوا رَبَّنَا ... وَ انصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ ءَاتَتْهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَ لَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لَإَكْبَرُ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ

(بقره: ۲۵۱)

پس آنان را به اذن خدا شکست دادند، و داود، جالوت را کشت، و خداوند به او پادشاهی و حکمت ارزانی داشت، و از آنچه می‌خواست به او آموخت. و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباہ می‌گردید، ولی خداوند نسبت به جهانیان تفضل دارد.

## نکته‌ها و پیامها:

۱. شکست کافران و پیروزی مؤمنان، منوط به اذن الهی: کلمه «باذن الله» متعلق به «هم‌موهم» و قید هر دو معنایی است که در آن نهفته است. بنابراین، معنای آیه این است که هم شکست جالوتیان و هم پیروزی طالوتیان با اذن خداوند متعال تحقق یافت<sup>۲۲</sup> و اگر اذن، یاری و توفیق الهی نبود، قطعاً این مهم حاصل نمی‌شد.<sup>۲۳</sup>

فهم موهم باذن الله.

۲. حضور و نقش جوانان در جنگ: علی بن ابراهیم از امام صادق ع روایت کرده است: خداوند متعال به پیامبر بنی اسرائیل وحی کرد که جالوت را کسی از پای در می‌آورد که زره حضرت موسی ع بر اندام او مناسب باشد. زره تنها بر اندام داوود که جوانی شجاع و نیرومند بود، مناسب آمد. داوود در روز نبرد با فلاخنی که در دست داشت، در برابر جالوت و لشکرش قرار گرفت. داوود دو سنگ به طرف راست و چپ لشکر جالوت انداخت که سپاهیان او را وادار به فرار کرد. آن‌گاه سنگ سوم را به پیشانی جالوت زد که در سرش فرو نشست و او را از پای درآورد.<sup>۲۴</sup> این روایت بیانگر نقش داوود جوان - که بعدها به زمامداری و پیامبری رسید - در جنگ و شکست دشمن است.

و قتل داود جالوت.

۳. نقش هجوم به فرماندهی دشمن، در حصول پیروزی: اگر او در جمله «و قتل داود جالوت» حالیه باشد و از این مورد (کشته شدن جالوت به دست داوود با آن کیفیت خاص) الغای خصوصیت شود، می‌توان از آیه این استفاده را کرد که برای پیروز شدن بر دشمن، باید فرماندهی دشمن را مورد هجوم قرار داد.<sup>۲۵</sup>

فهم موهم باذن الله و قتل داود جالوت.



۴. دفاع، اصلی فطری: دفاع در برابر هجوم، امری فطری است و ریشه در سرشت آدمی دارد؛ اعم از اینکه دفاع از امری مشروع باشد یا نامشروع. اگر در فطرت آدمی چنین اصل مسلمی نبود، دفاع از او سر نمی‌زد؛ خواه از حق مشروع و خواه از امر نامشروع.<sup>۲۶</sup>

و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض.

۵. جلوگیری از فساد و تباهی، فلسفه قانون دفاع: مراد از فساد زمین، فساد جامعه انسانی است. سعادت جامعه انسانی در گرو اجتماع و همکاری آحاد آن جامعه است. جامعه انسانی بر مبنای تأثیر و تأثر استوار است و اگر چنین نبود، نظامی برقرار نمی‌ماند و از سعادت بشر خبری نبود. اگر فردی کاری را انجام دهد که با منافع دیگران منافات داشته باشد و دیگران حق دفاع از منافع خود را نداشته باشند، وحدت جامعه به هم می‌خورد و اجتماع انسانی از بین می‌رود.<sup>۲۷</sup> بنابراین، اگر خداوند متعال قانون دفاع را چه تکوینی و فطری و چه تشریحی قرار نداده بود، فساد و تباهی جامعه انسانی را فرا می‌گرفت.

و لولا دفع الله ... لفسدت الارض.

۶. ملاک دفاع در جلوگیری از فساد جامعه انسانی: دفاعی باعث آبادانی زمین و مصونیت آن از فساد است که به اجتماع و اتحاد دعوت می‌کند، نه دفاعی که به اختلاف و از بین بردن اجتماع فرا می‌خواند. بنابراین، جنگ و دفاع آن گاه سبب آبادانی زمین و عدم فساد آن است که باعث زنده شدن حقوق اجتماعی و حیاتی مردمان زیر دست و ستم‌دیده شود، نه اینکه به وسیله آن، وحدت جامعه به تفرقه تبدیل شود و سرانجام، نابود گردد.<sup>۲۸</sup>

و لولا دفع الله... لفسدت الارض.

۷. قانون دفاع، تفضل الهی: دفاع در برابر متجاوز و سرکوب ظالم، تفضل الهی است.<sup>۲۹</sup>

و لولا دفع الله ... و لکن الله ذو فضل علی العالمین.

پی‌نوشت‌ها:

۱. تفسیر مجمع البیان، ج ۱-۲، ص ۶۱۴.

۲. همان.



٣. تفسير راهنما، ج ٢، ص ١١٤.
٤. تفسير مجمع البيان، ج ١ و ٢، ص ٦١٧. تفسير الكبير، ج ٦، ص ١٧٩.
٥. تفسير الكبير، ج ٦، ص ١٨٠.
٦. تفسير راهنما، ج ٢، ص ١٨٧.
٧. تفسير مجمع البيان، ج ١ و ٢، ص ٦١٧. تفسير الكبير، ج ٦، ص ١٨٠.
٨. تفسير راهنما، ج ٢، ص ١٨٩.
٩. همان.
١٠. تفسير الميزان، ج ٢، ص ٢٩١. تفسير الكبير، ج ٦، ص ١٨٢.
١١. تفسير الكبير، ج ٦، ص ١٨٣.
١٢. تفسير الميزان، ج ٢، ص ٢٩٣. تفسير راهنما، ج ٢، ص ١٩١.
١٣. تفسير الكبير، ج ٦، ص ١٨٥. تفسير راهنما، ج ٢، ص ١٩٠.
١٤. تفسير راهنما، ج ٢، ص ١٨٩.
١٥. همان، ص ١٩١.
١٦. تفسير الكبير، ج ٦، ص ١٨٥.
١٧. تفسير المنار، ج ٢، ص ٤٩٦.
١٨. تفسير نور، ج ١، ص ٤٩٥.
١٩. تفسير راهنما، ج ٢، ص ١٩٣.
٢٠. تفسير نمونه، ج ٢، ص ١٧٩.
٢١. تفسير نور، ج ١، ص ٤٩٥.
٢٢. تفسير راهنما، ج ٢، ص ١٩٥.
٢٣. تفسير الكبير، ج ٦، ص ١٨٨.
٢٤. تفسير مجمع البيان، ج ١ و ٢، ص ٦٢٠.
٢٥. تفسير راهنما، ج ٢، ص ١٩٥.
٢٦. تفسير الميزان، ج ٢، ص ٢٩٤.
٢٧. همان، ص ٢٩٣-٢٩٤.
٢٨. همان، ص ٣٠٥-٣٠٦.
٢٩. تفسير نور، ج ١، ص ٤٩٧.

